فرهنگ و مصرف

[دکتر رضا داوری اردکانی]

هر دورانی نامی دارد یا لااقل در تاریخی که ما در آن بسر می بریم به هر دوران نامی می دهند. نام امروز جامعه بشری، جامعه و عصر اطلاعات است. عالم تجدد در این وضع به خودآگاهی می‌رسد و در این خودآگاهی است که نام: «عصر اطلاعات» تفسیر و معنی خاص پیدا می کند. اکنون وقتی از اطلاعات و اطلاع‌رسانی سخن گفته می شود لحن گویندگان چنان است که گویی تحویل علم به اطلاعات، کمال و فضیلت و نعمتی است که نصیب عصر ما شده است. البته عصر اطلاعات عصر تمامیت یافتن علم و تکنولوژی است. در این عصر و با تحویل علم به اطلاعات علم به قدرت مبدل می‌شود. جهانی شدن هم جلوه‌ای از این حادثه است. دشواری این است که همه به اطلاعات علمی و تکنولوژی اطلاعات نیاز دارند. هیچ کشوری هم نمی تواند خود را بی نیاز بداند. نیاز در حد خود عیب نیست و اگر عیب باشد ما با آن به دنیا آمده ایم. ما عین نیاز و نیازمندی ایم. مهم این است که تفاوت میان نیاز تاریخی و نیازهای لذاته و طبیعی را بازشناسیم. در اینکه آدمی ابزار می ساخته است و می‌سازد چون و چرا نمی کنیم (اینجا کاری به انسان به عنوان حیوان افزار ساز نداریم و مراد این نیست که بگوییم حقیقت انسان افزار سازی است). حتی اگر دستگاه‌های تلویزیون و کامپیوتر و . . . ، را وسیله بخوانند به اعتباری تلقی‌شان را درست باید دانست ولی وسایل همه از یک جنس و سنخ نیستند. وسایل ساده‌ای هست که آدمی هر وقت به آنها نیاز دارد آنها را به کار می برد و پس از آنکه نتیجه و مقصود حاصل شد آنها را کنار می‌گذارد. وسایل نشانه نحوه و صورت زندگی آدمیانند و این بدان معنی است که فرهنگ با ساختن و پرداخت وسایل و به کار بردن آنها قوام می یابد یا لااقل ملازمت دارد. تکنولوژی جدید با طرح تسلط بر طبیعت پدید آمد. از این زمان تکنولوژی بتدریج مختصر مشابهتی که بر اثر سابقه با طبیعت داشت از دست داد بلکه درست در برابر طبیعت قرار گرفت. مردم شناسان در بحث از فرهنگ، طبیعت و فرهنگ را در تقابل هم قرار داده اند. در دوره جدید و در جهان متجدد فرهنگ جای خود را به تکنیک داده است. نه اینکه تقابل فرهنگ و طبیعت در این دوران منتفی شده باشد بلکه فرهنگ را دیگر از تکنیک جدا نمی‌توان کرد. در تمدن‌های گذشته ابزار و وسایل تکنیک و کاربرد آنها تمام فرهنگ نبود و تکلیف فرهنگ با آنها معین نمی شد. بخصوص مدرسه و آموزش و ادب اعم از ادب درس و ادب نفس (ادب حق که جای خود دارد) ربطی به نحوه معیشت نداشت اما اکنون همه چیز از علم و ادب و تکنولوژی و قانون و . . . در حدود و حیطه سیاست قرار گرفته و این را نیز قانون تکنیک راه می برد. درست است که ما در فطرت اول خود تکنیک را با اشیای تکنیک اشتباه می کنیم و این اشیا را وسایلی می دانیم که در اختیار ما قرار دارند و می‌توانیم به‌هر نحو که بخواهیم از آنها استفاده کنیم اما چون به فطرت ثانی یعنی فطرت تفکر می رویم نسبتی دیگر میان خود و تکنیک نمی بینیم. تکنولوژی و تکنیک کنونی چیزی نیست که ما غایت آن را معین کنیم و به‌هرنحو که بخواهیم آن را به کار بریم بلکه اوست که نه فقط به راه خود می‌رود بلکه ما را هم با خود می برد. در این زمان و با پدید آمدن اقتصاد سیاسی و علم اقتصاد، ارزش به ارزش مبادله مبدل شد. این دوران، دوران تولید و مبادله کالا و پرورشگاه جامعه مصرفی است. من کاری به تاریخ تولید و مصرف ندارم. آنچه اینجا مورد نظر است نسبت ما با فرهنگ و مصرف و رابطه فرهنگ با مصرف است. گفتیم که پندار غالب و شایع این است که فرهنگ را ما پدید می‌آوریم و اگر فرهنگ را پدید می آوریم می توانیم بر همه چیز و منجمله بر مصرف نیز که تابعی از فرهنگ است نظارت داشته باشیم. اما کسانی که خود دانشمند بودند و احیاناً در پژوهش علمی نظر ابژکتیو به مسائل و موارد پژوهش داشتند و پنهان نکردند که برای بسط فرهنگ تجدد می‌کوشند و حتی کوشش خود را احیانا با نام و عنوان «ایدئولوژی فرهنگ» پیوند زدند. ایدئولوژی فرهنگ تعبیری رسانو و بهتر از فرهنگ‌سازی است زیرا اولاً می رساند که بسط تاریخ جدید و متجدد ملازم با تلقی ایدئولوژیک است و هیچ شخص متجددی فرهنگ جدید و متجدد را در عرض فرهنگ‌های دیگر نمی‌گذارد و آن را با فرهنگ‌های دیگر مقایسه نمی کند. توجه کنیم که معنی یا معانی جدید فرهنگ همه برای وصف و تعریف فرهنگ جدید آمده است. و فرهنگ زمان ما فهرستی از نیازهاست که با تحول تکنولوژی به وجود می‌آید و تحول می یابد به این جهت است که همه زندگی ما نیاز شده است و همه خود را نیازمند به چیزهایی می دانیم که نمی‌دانیم چیستند. چیزهایی که در راهند اما هنوز نیامده‌اند و نمی‌شناسیم‌شان ولی به‌محض اینکه آمدند ما به آنها نیاز پیدا می کنیم و خود را با این سودا شاد و سرگرم می‌داریم که به چه کمال و قدرتی دست یافته ایم و این سودا کاملا هم بیهوده نیست زیرا تکنیک جدید عین قدرت است. به هرحال تکنولوژی اطلاعات بسرعت در حال بسط است و این بسط همه جهان را بدون اینکه مجالی برای تأمل بگذارد رو به نوعی توسعه می برد. این توسعه را می توان دوبینگ تکنیکی خواند. پس یک معنی این است که تکنولوژی اطلاعات مستقل از فرهنگ نیست و باید مسبوق به یک فرهنگ یا ملازم با آن باشد. تکنولوژی اطلاعات اقتضای فرهنگی خاص دارد و کم و بیش معلوم است که این فرهنگ چیست. این فرهنگ، فرهنگ مصرف اشیای تکنیکی است هرچند که برای جهان توسعه نیافته این فرهنگ در همه جا یک اندازه گسترده نباشد اما می‌تواند و باید گسترش یابد.

هم‌اکنون هم این فرهنگ عنصر اساسی در فرهنگ عمومی همه جامعه هاست. حال می‌توانیم بپرسیم که میان تفکر و تکنولوژی اطلاعات و آینده بشر چه مناسبتی وجود دارد. ما به تصاویر تبدیل می شویم و با تصاویر سر و کار پیدا می کنیم. ما با علم مجازی (من نمی‌دانم که آیا درست است که لفظ Virtual را مجازی ترجمه کنیم؟ فعلا ترجمه رایج آن مجازی است. نمی‌دانم بهترین ترجمه آن چیست) وارد عالم مجازی می‌شویم. آیا تکنیک و متافیزیک به هم رسیده‌اند؟ یا قدرت علمی- تکنیکی بشر به حدی رسیده است که با وهم خود هر تصرفی که بخواهد در ماده به عمل می آورد. این حادثه هرچه باشد، حادثه عجیبی است. آیا سخنی که از افلاطون تا نیچه بسط یافته است دارد تکرار می شود؟ افلاطون می گفت از تن رها می شویم و به عالم مثال سفر می کنیم. آنجا عالم عقل است. عالم دیدار آنجاست. به نظر افلاطون تن زندان نفس و عقل است و بشری که سقوط کرده و در ماده و تن گرفتار شده است باید به عالم جان پرواز کند اما وقتی به نیچه می رسیم او خوار دارندگان تن را ملامت می‌کند و نگاه داشت تن را تذکر می‌دهد. به یک اعتبار می‌توان گفت که نیچه موجب شده است که اخلاف او در قرن بیستم «تن» را به عنوان یک مسئله فلسفه کشف کنند. به اعتبار دیگر هم می‌توان گفت که شاید او از دور می دانسته است که مدرنیته و تکنولوژی مدرن تن را نه از راهی که افلاطون آن را نفی کرد بلکه با تحویل آن به سلسله‌ای از روابط موهوم دور خواهد انداخت. البته هنوز در فلسفه معاصر مسئله تن و جان، بخصوص بعد از مرلوپونتی فرانسوی که او دوباره بحث تن را مطرح کرد، یکی از مسائل بسیار مهم شده است. من از فمینیسم و مسائلی که اخیراً در قلمرو آن مطرح شده است حرفی نمی‌زنم. اشاره کردم که بعضی فیلسوفان در بحث از اینترنت مسئله تن و جان و روان را به نحوی مطرح کرده اند. البته ما هنوز راجع به تکنولوژی اطلاعات جز آنچه شورای عالی اطلاع رسانی کرده است کاری نکرده ایم و نمی‌دانیم که با ما چه خواهد کرد و ما با آن چه می توانیم بکنیم. من هم شاید در این مورد زیاده روی می کنم ولی به‌هرحال باید مسئله تکنولوژی اطلاعات و سر و کار با آن را مطرح کرد و درباره آن اندیشید. بحث در معنی اخلاقی ترک تن نیست. افلاطون می خواست اصالت عالم عقل را اثبات کند. نیچه می دید که جهان علم و تکنیک چندان انتزاعی می شود که جان را خوار می دارد و تن را در عین تن پروری فراموش می کند. این فراموشی در تکنولوژی اطلاعات صورت صریح پیدا می کند گویی ما شروع کرده ایم که دوباره تن را نفی کنیم و به عالم مجازی برویم.

فرهنگ زمان ما فهرستی از نیازهاست که با تحول تکنولوژی به وجود می آید و تحول می یابد، به این جهت که همه زندگی ما نیاز شده است و همه خود را نیازمند به چیزهایی می‌دانیم که نمی‌دانیم چیستند

ادامه دارد

تلفن گروه اندیشه: ۸۸۷۶۱۲۵۷

کتاب اندیشه

فلسفه تکنولوژی چیست؟

- کارل میچام
- ترجمه مصطفی تقوی، یاسر خوشنویس، پریسا موسوی
- انتشارات «ایران»

فلسفه تکنولوژی طی دهه‌های اخیر به مرور در حال تبدیل شدن به یک حوزه فلسفی بالغ است و کتب و مقالات مهمی را به خود اختصاص داده است. با این حال، این حوزه از فلسفه معاصر در ایران تقریباً ناشناخته باقی مانده است. همین طور این حوزه در سطح آکادمیک به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. کتاب «فلسفه تکنولوژی چیست؟» اثر کارل میچام، استاد دانشگاه کلرادو، اثر مهمی در تبیین پرسش‌های موجود در این حوزه و روند تاریخی شکل‌گیری و توسعه این حوزه از تفکر فلسفی است. میچام خود یکی از پیشگامان توسعه فلسفه تکنولوژی در فلسفه آنگلوساکسون است و برای بیش از چهار دهه است که به تحقیق و نگارش در این زمینه می‌پردازد. «فلسفه تکنولوژی چیست؟» دارای سه فصل و یک ضمیمه است که بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ نگاشته شده‌اند. اگرچه کتاب قدری قدیمی می‌نماید، اما مباحث آن هنوز طراوت خود را حفظ کرده است. فصل اول کتاب جنبه‌ای تاریخی دارد که خصوصاً برای خوانندگانی که به تبارشناسی ایده‌های فلسفی علاقه‌مندند، جالب توجه خواهد بود. میچام در بخش دوم بیشتر به مباحث مفهومی می‌پردازد و پرسش‌های موجود در فلسفه تکنولوژیی را مطرح می‌کند، بدون آنکه سعی زیادی در پاسخ دادن به آنها داشته باشد. اما بخش سوم کتاب که باید آن را اوجگیری دوباره نویسنده در تبارشناسی ایده‌های فلسفی دانست، معطوف به بحث تاریخی- مفهومی‌گیرایی در خصوص شکل‌گیری مفهوم مسئولیت در فرهنگ‌های اروپایی و امریکای شمالی است. ضمیمه کتاب نیز شرح تاریخی جالب توجهی در مورد به رسمیت شناخته شدن فلسفه تکنولوژی به عنوان یک رشته آکادمیک و توسعه نهادی این حوزه از تفکر فلسفی، البته تا زمان نگارش کتاب است. این کتاب تاکنون به زبان‌های اسپانیایی، روسی و چینی ترجمه شده است.

برای سفارش کتاب با شماره تلفن‌های ۲۰-۳۳۱۹۹۱۱۹ تماس بگیرید.

تلفن پذیرش آگهی ۸۸۵۰۳۴۳۹-۴۱ و ۸۸۵۰۶۵۲۶-۹ - ۰۹۱۲۸۰۰۰۸۲۶ - ۰۹۱۲۴۹۳۶۷۰۰ - ۰۹۱۲۲۵۷۳۳۱۹ برندگان سکه بهار آزادی این هفته اعلام گردیدند.

آژانس های مسافرتی و هتل ها را امروز در صفحات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶ ببینید.